



<http://doi.org/10.22133/isia.2023.383078.1058>

شناخت و ارزیابی عوامل مضر حاشیه‌نشینی و تأثیرات آن در محرومیت کودکان از فضاهای کودک‌محور (نمونه)

موردی: شهر سنندج

صلاح الدین مولانایی^۱، مبین قادری^{۲*}، مهدی خسروی^۳، صبا کسانی^۴

^۱ استادیار معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

^۳ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

^۴ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۲/۰۵/۳۱	
تاریخ پذیرش:	
۱۴۰۲/۰۷/۲۹	
واژگان کلیدی:	
شهر دوستدار کودک حاشیه‌نشینی کودک فضاهای کودک‌محور محرومیت	حاشیه‌نشینی یکی از مسائل مهم در حیطه شهرسازی و معماری است. کمبود فضاهای آموزشی و پرورشی مانند فضاهای کودک‌محور، مسائل امنیتی، فشارهای معیشتی و تربیتی می‌تواند پیامدهای بسیاری بر روی ساکنان به‌خصوص کودکان داشته باشد. در این راستا، محرومیت کودکان از فضاهای کودک‌محور باعث تخلیه انرژی کودکان در محیط‌های نامناسب می‌شود که همین امر زیان‌های مالی، جسمی و روحی را در پی دارد. این پژوهش به شناسایی و بررسی عوامل تأثیرگذار در شرایط نامناسب کودکان حاشیه‌نشین و تأثیرات مخربی می‌پردازد که در کودکان در حال و آینده می‌گذارد. پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها از طریق جمع‌آوری اسنادی و کتابخانه‌ای اکتساب شده‌اند. سپس با استفاده از تجارب سایر اساتید و محققان، با ذکر نمونه‌ها و مقالات کارشده در زمینه‌های تخصصی متنوع، بررسی میدانی ازجمله بازدید، مصاحبه با ساکنان و پرسش‌نامه انجام شده و درنهایت تحلیل و نتیجه‌گیری نویسندگان صورت گرفته است. حاشیه‌نشینی اغلب همراه با تقابل فرهنگ‌های متفاوت همراه است. این امر موجب بروز آسیب‌هایی همچون افزایش جرم و جنایت و فروش مواد مخدر و کار کودکان، تهدید سلامت روانی ساکنان به‌ویژه کودکان، توزیع نامتوازن امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی و کیفیت‌نداشتن فضاهای باز شهری مانند پارک، فضای بازی کودکان است که با بررسی این عوامل در محلات (نایسر، اسلام‌آباد، فرجه)، کمیت و کیفیت آن‌ها تعیین شده و راهکارهایی برای رفع این عوامل ارائه شده است.
*نویسنده مسئول رایانامه: (mobinghaderi3@gmail.com)	
نحوه استناددهی:	
مولانایی، صلاح‌الدین، قادری، مبین، خسروی، مهدی، و کسانی، صبا (۱۴۰۲). شناخت و ارزیابی عوامل مضر حاشیه‌نشینی و تأثیرات آن در محرومیت کودکان از فضاهای کودک‌محور (نمونه موردی: شهر سنندج). مطالعات میان‌رشته‌ای معماری ایران، ۲(۳)، ۲۰۱-۲۱۹.	
ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ https://www.usc.ac.ir	

مقدمه

پدیده حاشیه‌نشینی برای اولین بار در جهان غرب در سال ۱۹۳۱ و از طریق رابرت پارک با الهام از افکار استادش، جورج زیمل جامعه‌شناس آلمانی، در مقاله‌ای با عنوان «مهاجرت انسانی و منازل حاشیه‌نشین» مطالعه شد. از نظر آن‌ها، انسان حاشیه‌نشین شخصیتی است که از حاصل برخورد یا پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت ظهور می‌یابد. همچنین حاشیه‌نشین آشنای بیگانه‌ای است که به دو نظام فرهنگی احساس بستگی و تعلق دارد، ولی در عین حال خود را به هیچ‌یک کاملاً متعلق و متمایل نمی‌داند (بیات، ۱۳۸۴). افرادی که در شهر زندگی می‌کنند نسبت به آن حق دارند، حق به شهر برای تمامی افراد - حال چه شهروند رسمی باشند و چه غریبه - وجود دارد (Fenstermacher & Richardson, 2005) و حق تملک و حق مشارکت برای همه ساکنان شهر برابر است. در جوامع شهری سه واحد اجتماعی خانواده، مدرسه و فضاهای شهری در روند آموزش و اجتماعی شدن کودکان اهمیت دارند (Witten, 2017). از منظر دیگر، شهر مدرن در پذیرش کودک خوب عمل نمی‌کند و در گذاشتن کودکان در محدوده‌های حفاظت‌شده می‌کوشد که می‌توان نکته منفی این نوع پرورش را کم کردن حس ماجراجویی، جسارت و خلاقیت دانست، اما در راستای بهبود وضعیت کودکان، کنوانسیون حقوق کودک بر مبنای نیازهای فرهنگی، اجتماعی، عاطفی و... کودک را نیازمند حقوق اساسی و بنیادین می‌داند که در این پیمان‌نامه به خانواده به‌منزله اصلی‌ترین شاخص جامعه نگریسته شده است، اصلی‌ترین شاخصی که با ایجاد شرایط محیطی سالم برای کودکان رشدشان را تضمین می‌کند. همچنین یکی از مهم‌ترین عوامل، ایجاد فضاهای کودک‌محور در مناطق حاشیه‌نشین برای فراهم کردن شرایط ادراک محیطی ایمن با هدف تعادل قوای محیطی و ذهنی و بروز استعدادها و خلاقانه کودک است (تمجیدی، ۱۴۰۱). کودکان بین یک تا هفده سال و افراد مسن بالای ۶۵ سال گروه‌هایی هستند که تقاضای بیشتری برای رفتن به پارک دارند (chen, 2019)؛ بنابراین فراهم کردن یک محله حامی تحرک و فعالیت فیزیکی کودکان، شرایط لذت‌بخشی را برای حضور و فعالیت مستقل آنان در فضاهای باز محله فراهم می‌کند (روشندل و بهرامی، ۱۴۰۲). همچنین عوامل مهم دیگری وجود دارند که تأثیرات منفی بسیاری را در ساکنان مناطق حاشیه‌نشین می‌گذارند. براین اساس، هدف از این پژوهش شناسایی عوامل تأثیرگذار مناطق حاشیه‌نشین در ساکنان و به‌خصوص کودکان و همچنین ارائه راهکارهایی برای اصلاح این عوامل و بهبود کیفیت زندگی ساکنان و کمک به فراهم کردن شرایط مناسب برای کودکان و ساخت یا اصلاح فضاهایی کودک‌محور برای رشد و شکوفایی کودکان و نوجوانان در محیطی سالم و مناسب است.

چارچوب نظری و پیشینه

پژوهش‌های انجام‌شده را می‌توان در بخش‌های مختلفی همچون حاشیه‌نشینی، شهر دوستدار کودک، فضاهای سبز شهری، کودکان و اوقات فراغت، فقر و محرومیت، امنیت و سلامت بررسی کرد که در این مقاله، با ادغام و نتیجه‌گیری‌های انجام‌شده سعی شد مشکل بررسی و راه‌حل ارائه شود. در سال ۱۳۹۷، تعدادی از جامعه‌شناسان مروری نظام‌مند بر مطالعات انجام‌شده در زمینه حاشیه‌نشینی داشتند و این مبحث و پیشینه آن را از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۹۶ در قالب مقاله‌ای علمی - پژوهشی ارائه دادند (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۷). یانو و شیائویان (2017) سلامت کودکان و مشارکت آن‌ها در تبیین شهری دوستدار کودک در نمونه موردی اردوگاه شهر چانگشا در سال ۲۰۵۰ را تحلیل و بررسی کرد. فرناندا (2021) یکی از جدیدترین پژوهش‌ها را در خصوص پیکربندی فضای سبز و تأثیر آن در رفتار انسان و محیط‌های شهری انجام داده است. این مطالعه داده‌های مربوط به اقلیم‌های خرد، میادین شهری، بررسی خصوصیات شهری و ترجیحات عابر پیاده را انجام و توسعه داده است. ناد (2018) در مورد رشد سریع شهرها و کمبود توجه به فضاهای باز شهری و سبز شهری به‌خصوص در شهر اسکندریه مطالعه کرده و در این مورد اظهار نگرانی کرده و با طرح این سؤال که «آیا می‌توان فضاهای باز مولد و پاسخ‌گو برای کمک به پایدار شدن شهر را شکل داد؟» به بررسی این موضوع پرداخته است.

آکینز (2022) در مورد این موضوع مطالعه کردند که آیا بین محرومیت منطقه‌ای شهرنشینی و افزایش خطر روانی و بیماری‌هایی از جمله اسکیزوفرنی و اختلال دوقطبی و اس‌ام‌ای - که از طریق رانش اجتماعی یا علیت اجتماعی به حساب می‌آیند - ارتباط وجود دارد. سال ۱۳۹۸ اعضای از گروه‌های سلامت و بهداشت دانشگاه تهران و قم در خصوص تأثیر مداخله اجتماعی محور در سطح فعالیت بدنی زنان در یک منطقه حاشیه‌نشین تحقیقاتی انجام دادند. در مورد دسترسی و تعامل جوانان حاشیه‌نشین را به خدمات بهداشتی و پیمایش سیستم‌های مراقبت‌های بهداشتی در کشورهایی با درآمد بالا بررسی می‌کند.

تحقیقات و پژوهش‌های دیگری در ایران و سراسر جهان در قالب کتاب و مقالات و گزارش‌ها و... در رشته‌های تخصصی مانند جغرافیا، حقوق و جزا، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، پزشکی، معماری و شهرسازی انجام شده است که ارزیابی مطالب مشترک با دیدگاه‌های متنوع تخصصی در این پژوهش فراهم شده است. برای فهم بیشتر عوامل ارائه‌شده در پژوهش نیاز است واژه‌شناسی آن بررسی شود. روشن است که تمامی عوامل ارائه و بررسی شده مکمل یا فاعل و مفعول یکدیگرند. برای مثال ناهنجاری و حاشیه‌نشینی با هم به وجود می‌آیند و این رشد سریع و بدون نظارت حاشیه‌نشینی باعث عدم پیش‌بینی‌های اجرایی، اختلالات در زیرساخت‌ها، بی‌توجهی به فضاهای کودک‌محور و موارد ملزوم به آن و غیره می‌شود.

حاشیه‌نشینی

تاریخچه حاشیه‌نشینی در جهان به نوعی با انقلاب صنعتی و به تبع آن، با رشد شهرها گره خورده است. حاشیه‌نشینی، چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، مستقیماً از نحوه صنعتی شدن متأثر بوده است. در کشورهای توسعه‌یافته کنونی، ابتدا کارخانه‌ها به علت نیازشان به منابع آبی و امکانات حمل‌ونقل در درون شهرها ایجاد شدند و به همین سبب، مهاجران روستایی و طبقات فقیر شهری را به مرکز شهرها کشاندند. با انتقال کارخانه‌ها به بیرون شهرها و توسعه حومه‌نشینی برای طبقات متوسط و بالای جامعه، فقرادر مراکز شلوغ و کثیف شهری باقی ماندند و آنچه ما امروزه با عنوان حاشیه‌نشینی از آن یاد می‌کنیم، نه در اطراف شهر، بلکه بعضاً در مراکز شهرهای بزرگ پدید آمدند (ممتاز، ۱۳۹۴).

ناهنجاری

حاشیه‌نشینی با بروز ناهنجاری همراه است. در تعریف ناهنجاری آمده است هر فعل یا ترک فعلی که به موجب قانون مجازاتی برای آن تعیین شده و نوعی آسیب یا خسارت را به همراه داشته باشد و دیگر افراد آن را نادرست بدانند ناهنجاری نام دارد (کیخا، ۱۳۹۴).

کودک و فضای کودک‌محور

طبق قانون حقوق کودک، که در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید، کودک فردی است که به هجده سالگی نرسیده است. در مجلس شورای اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲، تصویب شد کودک کسی است که سنی کمتر از هجده سال داشته باشد، مگر آن‌که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود (یونیسف، ۱۳۷۶).

شهرها و فضاهای شهری مکان‌هایی مثبت یا منفی برای زندگی کودکان هستند. به طور ایده‌آل همسایگی‌ها و محله‌ها باید مکان‌هایی اجتماعی برای کودکان باشند؛ به طوری که بتوانند به راحتی اصول جوامع، فرهنگ‌ها و تبادلات آن‌ها را برای کودکان بیان کنند (holt, 2014). برای این‌که شهرها به مکان‌هایی برای پیشرفت کودکان تبدیل شوند و نیازها و حقوق آنان تأمین شود باید قابلیت‌های آن‌ها را افزایش داد و از داده ابزار کمکی استفاده کرد. این امر فقط با خلق مکان‌های جدید بر پایه همکاری‌ها و تعاملات گروهی در سطوح مختلف، نواحی محلی و قلمروهای اجتماعی

امکان‌پذیر است (کربلایی و حسینی، ۱۳۹۳). فضاهای طراحی شده برای کودکان باید نیازهای او را در راستای رشد استعداد و خلاقیت برآورده سازد؛ بنابراین ارتقای کیفیت این فضاها در سلامت و رشد قوای جسمی و روانی و آموزش کودکان تأثیر بسزایی دارد.

شهر دوستدار کودک

شهر دوستدار کودک شهری است که در آن بخش‌های مختلف جامعه متعهد می‌شوند تا استانداردهای لازم را برای زندگی شایسته کودکان در منطقه خود فراهم کنند. شهری که نیازها و علایق خاص این گروه‌ها را مدنظر قرار می‌دهد و کودکان به لحاظ ذهنی و روانی از زندگی در آن احساس آرامش می‌کنند. این احساس آرامش به‌ویژه با امنیت اجتماعی و ایمنی رابطه مستقیم دارد. از اهداف مهم پروژه‌های شهر دوستدار کودک می‌توان به ایجاد علاقه در کودکان برای پیگیری حقوقشان، تأمین امنیت کودکان در مکان‌های مورد نیازشان، غلبه بر فقر و نابرابری، مشارکت دادن کودکان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر، تمرین همکاری میان کودکان و بزرگسالان، تشویق بزرگسالان به حفظ و حمایت از کودکان، توسعه فضاهای تفریحی و غیره اشاره کرد.

ساختن شهر دوستدار کودک نه فقط به فضای سالم، بلکه محیط زیست و همچنین سیاست توسعه پایدار و پشتیبانی دولت نیاز دارد (Yao & Xiaoyan, 2017). هدف شهرهای دوستدار کودک از بعد ماهوی ارتقای کیفیت شهر و از بعد رویه‌ای مشارکت کودکان است (رستگار و بونفانتینی، ۱۳۹۵). ماجرای شهر دوستدار کودک فقط یک حوزه خاص نیست و تمامی ابعاد زندگی کودکان را دربر می‌گیرد؛ از جمله بهداشت، آموزش، مسائل غذایی کودکان و حتی امکانات رفاهی و شهروندی که بچه‌ها حق دارند در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند از آن بهره‌مند باشند (هنرور، ۱۳۸۹). مفهوم شهر دوستدار کودک به‌طور کلی به این معنی است که دولتمردان چگونه این شهرها را براساس علایق بچه‌ها اداره می‌کنند و نیز به شهرهایی گفته می‌شود که در آن حقوق اساسی کودکان مانند سلامت، آموزش و فرهنگ، ایمنی، امنیت، فضاهای سبز و فضاهای بازی لحاظ می‌شود (Korpela, 2014).

روش‌شناسی

در مقاله حاضر به سبب مباحث و زمینه‌های وسیع نظری و مقوله‌های کلی، روش‌های مختلفی به کار رفته است. به منظور دستیابی به اطلاعات و آمار و همچنین منابع موجود، از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی منطقی بهره برده و با مراجعه به منابع موجود و نتایج و دیدگاه‌های مربوط به هدف‌های مقاله، تجزیه و تحلیل شده است. همچنین به منظور استفاده از تجارب اساتید و محققان، با ذکر نمونه‌ها و مقالات کارشده در زمینه‌های تخصصی متنوع، مطالعه تطبیقی صورت گرفته و اسناد و مدارک موجود بررسی و تجارب و پیشنهادهای ذکرشده در این اسناد ارزیابی شده‌اند. برای داده‌های واقعی و ملموس‌تر، از طریق مصاحبه شفاهی و پرسش‌نامه از ساکنان این محلات، مشکلات آن‌ها بررسی شده است. همچنین با مشاهده میدانی محلات، وضعیت و ساختار آن بررسی شده و در فاکتورهایی ارزیابی و سپس مقایسه شده‌اند. در نهایت تحلیل و نتیجه‌گیری نویسندگان نگارش شده است.

دلایل بروز و تأثیرات حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی به منزله «وضعیتی غیرمهم، نامطلوب، ناشایست، ناچیز و متفاوت منجر به نابرابری، ناعادلانگی، محرومیت و فقدان اجباری دسترسی به جریان اصلی تعریف شده است. چنین تعریفی بر چگونگی تعریف دیگران از دیگران متمرکز است و افراد به حاشیه رانده می‌شوند، اما تجربه فرد را در این مورد برجسته نمی‌کند. به عبارت دیگر، به این معنی است که دیگران افراد خاصی را ناشایست قلمداد می‌کنند و این امر به ایجاد جو اختلاف طبقاتی و کمبود قدرت منجر می‌شود. با این حال، مشخص نیست که آیا کسانی که ناشایست و بی‌ارزش دیده می‌شوند واقعاً

این احساس را دارند و از همه مهم‌تر این که آیا احساس می‌کنند که با آن‌ها ناعادلانه رفتار شده است؟ حاشیه‌نشینی می‌تواند تأثیرات متعددی در ساکنان، به‌ویژه کودکان و بافت و ساختار شهری گذارد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

مورد نخست و مهم امنیت است. امنیت در بعد خرد یا کلان خود محصول فرایندی جمعی است؛ چنانچه در کل این فرایند یکی از اجزا کار خود را به‌درستی انجام ندهد، سیستم با مشکل مواجه می‌شود و این خود بستر مناسبی برای رشد ناهنجاری‌ها و جرائم مختلف خواهد بود که بزهکاران و مجرمان با فرصت‌طلبی و استفاده از شکاف موجود آمده مقاصد شوم خویش را پیگیری می‌کنند (بخشوده و پرتویی، ۱۳۹۰). انسان برای زندگی اجتماعی خویش نیازمند امنیت جسمی، روحی، اقتصادی و... است. کودکان نیز به علت آشنانیدن با کارکردهای جامعه نیاز به حمایت‌ها و مراقبت‌های ویژه‌ای دارند و در صورت وجود بسترهای محیطی نامناسب، بیشتر خسارت‌ها، اعم از مادی و معنوی، را متحمل می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهند که نوع و میزان ارتکاب جرایم علیه کودکان در مناطق مختلف متفاوت است؛ بنابراین منطقه زندگی افراد با پیدایش یا نوع جرایمی که بر کودکان وارد می‌شود رابطه دارد. افزایش جرم و جنایت را می‌توان عاملی دیگر در نظر گرفت. آسیب‌های شهری با توسعه شهری ارتباط نزدیک دارند. در اکولوژی شهری به هنگام مطالعه انواع جرایم، به دو نظریه بیش از همه توجه می‌شود.

الف) نظریه تأکید بر مکان ویژه یا بخش مرکزی شهری که در آن میزان جرایم بیش از سایر مناطق شهری است و با دور شدن از بخش مرکزی شهر، از میزان جرایم کاسته می‌شود. اگرچه در برخی از موارد انتقادهایی بر آن وارد است؛ چراکه میزان جرایم در حومه برخی از کشورها، با میزان جرایم در مرکز شهر برابر گزارش می‌شود.

ب) نظریه محیط مساعد که در جست‌وجوی ارتباط میان محیط مساعد برای ارتکاب به انواع جرایم است. در این نظریه، همه شرایط محیطی مرتبط با انواع جرایم بررسی می‌شود (Shukouei, 1994).

تأثیر دیگر حاشیه‌نشینی در عوامل روانی و سلامت ساکنان است که شرایط نامناسب محل زندگی و معماری بناهای مخروبه در مناطق حاشیه‌نشین، از نظر روانی برای ساکنان و به‌خصوص کودکان خطرناک است. کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی است که بیماری‌های بهزیستی فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. کیفیت زندگی مرتبط با سلامت به سطح عملکرد جسمی، عاطفی و اجتماعی فرد اشاره دارد و با استفاده از ارزیابی‌های عینی و ذهنی اندازه‌گیری می‌شود. کیفیت زندگی فقط تحت تأثیر عوامل فردی (بیماری‌ها، عوامل سبک زندگی و حمایت اجتماعی) قرار نمی‌گیرد، بلکه به محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند نیز مرتبط است (Dale, 2013). اشخاص مهاجر خود را طرد شده می‌دانند و این وضعیت روانی آنان را افرادی پرخاشگر، تندخو و ستیزه‌جو و انتقام‌جو بار می‌آورد. البته باید توجه داشت همه ساکنان مناطق حاشیه‌نشین جانی، منفی و ناسازگار نیستند، بلکه نسبت خشونت و خلاف در این منطقه به سایر مناطق شهری بیشتر است. کودکانی که به احتمال زیاد محله خود را ناامن و محدود گزارش می‌کنند، به دلیل ناامن بودن احتمالاً بیشتر وقت خود را در خانه می‌گذرانند. خانواده مهاجر و حاشیه‌نشین به دلیل نارسایی شیوه‌های تولید محل سکونت، معمولاً فاقد مهارت هستند که موجب بی‌کاری در اعضای خانواده می‌شود و باعث کشیده شدن کودکان به سمت کار می‌شود که عامل دیگر تأثیر حاشیه‌نشینی است. در این راستا، پدیده حاشیه‌نشینی که به علت بی‌عدالتی در توزیع اموال قدرت و خدمات در شهرها به منزله یکی از معضلات شهری قلمداد می‌شود، از حیث بستر قرار گرفتن جهت استثمار اقتصادی کودکان مورد توجه جرم‌شناسان است. همچنین در حاشیه شهرها ازدواج در سن اتفاق می‌افتد، اما در متن شهر و به‌ویژه در مناطق مرفه‌نشین، سن ازدواج روبه‌افزایش بوده و بالاتر می‌رود. پیش‌بینی خدمات و حمایت‌های محله‌ای به‌ویژه در محلات حاشیه‌نشین می‌تواند به پیشگیری از ازدواج زودهنگام یاری رساند. آگاهی‌بخشی جامعه، مسئولان و مراجع مذهبی این محلات نسبت به عواقب و پیامدهای ازدواج زودهنگام می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و تغییر فرایند یاری رساند (افتخارزاده، ۱۳۹۴).

شواهد نشان می‌دهند که فضاهای سبز شهری و فضاهای باز به میزان چشمگیری به درجه محرومیت در مقیاس منطقه‌ای مربوط می‌شود و تازمانی که میان درآمد خانواده‌ها و قیمت مسکن فاصله زیادی وجود دارد حاشیه‌نشینی نیز وجود خواهد داشت. همچنین شاهد واحدهای

مسکونی روبه‌فرسایش با تجهیزات ناقص در مناطق حاشیه‌نشین کشورهای جهان سوم هستیم که حاصل تسلط فرهنگ فقر، جدایی‌گزینی توده‌ای مردم روستایی از جامعه، تأسیس شهرک‌های چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم‌دوام ساختمانی، گوشه‌گیری مردم آن از زندگی شهری است. در حاشیه شهرهای ایران، آموزش و پرورش به بدترین شکل ممکن رواج دارد، به این معنا که اختصاص ندادن بودجه متناسب برای امر آموزش و پرورش این نقاط جدای از آنکه باعث کم‌سواد شدن حاشیه‌نشینان شده، موجب شده که فرایند جامعه‌پذیری در میان کودکان و نوجوانان حاشیه‌نشین فرایندی ناقص و عقیم باشد و نقصانی در رشد بالای انحرافات اجتماعی نمود می‌یابد (امیدوارفر، ۱۳۹۶). آنجاست که مبحث بهزیستی کودکان مطرح و نمایان می‌شود.

بهزیستی کودک هم به زندگی کنونی کودک و هم با آینده آن‌ها مربوط می‌شود که درهم تنیده شده‌اند. بهزیستی کودک همچنین دارای ویژگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی است و باید از طریق معیارهای مندرج در کنوانسیون حقوق بشر کودک سازمان ملل (CRC) درک شود. به دلیل وجود شکاف بزرگ بین مناطق شهری و روستایی، سطح توسعه در بهداشت، تغذیه، آموزش و جنبه‌های دیگر در مناطق فقیرنشین به طرز چشمگیری پایین‌تر از سطح متوسط ملی است. کودکانی که در چنین مناطقی زندگی می‌کنند نه تنها به دلیل تغذیه ناکافی، فرصت‌های آموزشی و خدمات عمومی، بلکه به دلیل سطح پایین آموزش والدین نیز در فقر چندبعدی قرار می‌گیرند. این عوامل مانع از رشد کامل کودکان در مقایسه با کسانی است که در مناطق مرفه زندگی می‌کنند. گفتنی است فقر کودک از راه‌های مختلف روابط هم‌سالان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فضاهای کودک محور

کیفیت زندگی برای کودکان با پیکربندی امکانات فضای بیرونی شهری رابطه مستقیم دارد. هر مکان دوست‌دار کودک محیطی است که کشف و تحقیق‌یابی قابلیت مکان‌ها را برای انواع فعالیت و تعاملات اجتماعی کودک مقدور می‌سازد و زمینه‌ساز ایجاد فرصت‌هایی برای یادگیری از محیط، شکل‌دادن به ویژگی‌های فیزیکی مکان به واسطه تقویت مشارکت کودکان می‌شود (منصوری و قره بیگلر، ۱۳۹۰). مطالعات انجام‌شده در مورد اولویت‌های محیطی کودکان به دو گروه تقسیم شده‌اند: (۱) دوست‌داشتنی‌های کودکان در فضاهای کالبدی؛ (۲) چیزهای که دوست ندارند یا باعث ترس آن‌ها می‌شود. مکان‌های پر از فعالیت، مکان‌های که در آن‌ها تعامل با سایر کودکان و بزرگسالان امکان‌پذیر باشد، مکان‌هایی با تنوع و قابلیت فراوان، مکان‌های دارای عناصر طبیعی و بکر، مکان‌های ایمن، صمیمی، محصور و مخفی و حتی در برخی موارد، مکان‌های هیجان‌انگیز و خطرناک را می‌توان از فضاهای محبوب کودکان به شمار آورد. واژه آلمانی وونرف یا خیابان برای زندگی به منزله حیاطی برای مناطق مسکونی از بحث‌های مطرح روز است و به کوچه و خیابان‌هایی اطلاق می‌شود که هدف از ساختشان آرام‌سازی ترافیک، تغییر و تبدیل آن به زندگی محلی است و همان‌طور که کودکان زمان زیادی را با پدر بزرگ و مادر بزرگ خود می‌گذرانند و تحت مراقبت آن‌ها هستند، به طرز جالب توجهی این دو گروه سنی را در فضاهای شهری با هم قرار می‌دهد (Gorgul, 2017). کودکان بین یک تا هفده سال و افراد مسن بالای ۶۵ سال گروه‌هایی هستند که تقاضای بیشتری برای رفتن به پارک دارند (chen, 2019). در ادامه ویژگی‌های فضا و معماری کودک بیان شده است (جدول ۱).

قادری و همکاران/ شناخت و ارزیابی عوامل مضر حاشیه‌نشینی و تأثیرات آن در محرومیت کودکان از فضاهای کودک‌محور

جدول ۱: ویژگی‌های فضا و معماری کودک براساس نیاز کودکان (منبع: پورجعفر و محمودی نژاد، ۱۳۸۹)

حوزه‌ها	ویژگی‌ها
روانی	شبیه‌سازی، خلق و آفرینشگری، آرامش‌بخشی، ایمنی، لذت‌بخشی، بازی‌آفرینی، تشویق‌بخشی روحی، گسترش احساس اجتماعی کودک
فیزیکی	عطر و بوی فضایی مناسب، بافت و جنس لطیف و غیرمزاحم، حرارت و برودتی، دنجی و خلوت کودکانه، دسترسی آسان و سیرکولاسیون ساده و غیرمبهم
فضایی	فعالیت و پویایی فضا، ساکت‌بودن فضا، ارتباط با طبیعت و فضای سبز، خودمانی‌بودن فضای باز، روشنایی فضا، یادمانی و ادراکی‌بودن فضا
رفتاری	تئاتر و نمایش‌های کودکانه در فضاهای باز کودک با شرکت خود کودکان، استراحت کودک، امکان مطالعه فردی و گروهی، همکاری و مشارکت‌دهی کودک، کار گروهی و بازی‌های تیمی، اختلاط جنسی و سنی کودکان، فعالیت‌های بدنی همراه با بازی‌های فکری، تمرین‌های نوشتاری و شنیداری کودکانه، بازی‌سازی با منظر و طراحی گیاهان و عناصر فیزیکی و بصری پارک

ویژگی‌ها و خصوصیات فضاهای دوستدار کودک

خصوصیات فیزیکی محیط پیرامونی کودکان عاملی مهم و تأثیرگذار در فعالیت‌های آن‌هاست. مطالعات نشان می‌دهند که ویژگی‌های محیطی مانند دسترسی آسان به المان‌های محیطی و تعبیه مناسب مسیرهای پیاده در توانایی جسمانی و سلامت کودکان تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین درک رابطه بین فعالیت‌های کودکان و ویژگی‌های محیطی محله برای تسهیل رشد جسمی و روانی کودکان ضروری است. محیط پیرامون کودکان باید حمایتگر، در دسترس و کاربردی باشد. استفاده از محیط شهری در مورد کودکان طبقات کم‌برخوردار به‌نوعی با سایر کودکان متفاوت است. محیط اجتماعی ضعیف با سطح کیفیت پایین ایمنی و عناصر طبیعی کمتری دارد.

برای کودکان در محله‌های فقیرنشین ایمنی مهم‌ترین عامل است؛ بنابراین کودکان مکان‌های نزدیک خانه خود یا نزدیک به خانه دوستشان را ترجیح می‌دهند. رینولدز (2005) ادعا می‌کند که در محله‌های فقیرنشین، خیابان‌ها و کوچه‌ها از اولویت‌های کودکان هستند. او به این نتیجه رسید که خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌توانند برای کودکان مطلوب باشند؛ به شرطی که ایمنی آن‌ها تأمین شده باشد و تحت نظارت غیر مستقیم والدین خود باشند.

اگرچه شاخص‌های محیطی در رفتار و روان کودکان نقش بسزایی را ایفا می‌کنند، اما مطالعات انجام‌شده در زمینه بررسی نیازهای کودکان در محیط مصنوع گسترده نیست. در اینجا به عوامل مهم و مؤثر در به وجود آمدن محیط دوست‌دار کودک اشاره می‌کنیم تا ببینیم این محیط‌ها از چه ویژگی‌هایی باید برخوردار باشند. همچنین سعی داریم اصول مناسبی را برای محیط استاندارد کودک‌محور تعریف کنیم و از این طریق، محل‌های مدنظر در اطراف شهر سندج را بررسی کنیم.

امنیت (امنیت ترافیکی و ایمنی شخصی)

مهم‌ترین و اصلی‌ترین دغدغه برای بیشتر تحقیقات انجام‌شده امنیت کودکان است که به کاهش شدید فعالیت‌های کودکان در فضاهای باز منجر شده است. امنیت را می‌توان به دو جنبه فیزیکی و روانی تقسیم کرد. با توجه به تخصیص فضاهای بسیار برای اتومبیل‌ها به نسبت به فضاهای پیاده‌محور، و افزایش استفاده از خودرو، سالانه شاهد تصادف‌های رانندگی زیادی هستیم. به نظر می‌رسد نگرانی والدین درباره ایمنی تردد کودکان به جاست و در نتیجه، والدین بازی کودکان خود را در فضاهای باز محدود می‌کنند. همچنین طراحی نامناسب و غیراستاندارد محله‌ها نیز به ارتکاب جرم و جنایت علیه کودکان منجر می‌شود. این موضوع باعث می‌شود کودکان فعالیت‌های اوقات فراغت خود را در محله‌های ناامن کاهش دهند و به بازی‌های کم‌تحرك در منزل روی آورند.

تسهیلات رفاهی

محلّه استاندارد باید منظری باز و خصوصیات زیبایی‌شناسانه داشته باشد. باز بودن محیط دید مناسبی را فراهم می‌آورد که می‌تواند به کاهش احساس ترس از جرم منجر شود و فرصت‌هایی را برای تعامل افراد فراهم کند. منظور از ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه، دل‌پذیری عمومی محیط پیرامون، نمای مناسب خانه‌ها و باغ‌ها، عاری از نقاشی‌های دیواری و زباله است.

دسترسی (راحتی و پیاده‌محوری)

دسترسی مناسب به معنای فرصت‌های بیشتر برای پیاده‌روی به نسبت رانندگی است. ویژگی‌های یک محلّه دسترسی‌پذیر شامل دسترسی مناسب به سوپرمارکت‌ها و مغازه‌ها، صندوق‌های پست و امکانات عمومی است. دسترسی به پارک‌ها زمین‌های بازی و امکانات تفریحی نیز با افزایش فعالیت بدنی ارتباط مستقیم دارد. علاوه بر این، تعبیه مسیرهای پیاده‌محور باعث افزایش پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری کودکان می‌شود.

اجتماع‌پذیری (قابلیت گردهمایی و استقرار)

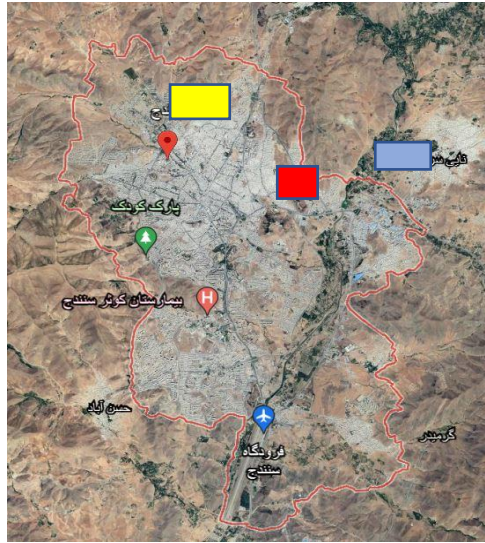
تحقیقات نشان داده‌اند که فقدان دوستان مانعی برای مشارکت کودک در فعالیت‌های بدنی است که این موضوع اهمیت اجتماع‌پذیری محیط برای کودکان را برجسته می‌کند. این ویژگی محیطی فرصتی را برای آموزش و یادگیری کودکان فراهم می‌کند؛ از جمله قابلیت بیان احساسات کودک، ارتباطات مؤثر، مشارکت و سازش. همچنین اجتماع‌پذیری محیطی فرصتی را برای کودکان فراهم می‌آورد که بتوانند کنترل عاطفی را بیاموزند و تعاملات اجتماعی را تمرین کنند.

جذابیت (تنوع، چالش و پیچیدگی)

«جذابیت» محیطی باعث افزایش علاقه کودکان به بازی می‌شود. تنوع، چالش و پیچیدگی از ویژگی‌های ضروری جذابیت هستند، اما این عوامل اغلب مغفول واقع می‌شوند. محیطی با تنوع‌های فضایی زیاد مملو از شگفتی است. «چالش» فرصتی را برای کودکان فراهم می‌کند تا احساس موفقیت کنند. همچنین «پیچیدگی» حس رازآلودگی محیط را تقویت می‌کند.

یافته‌ها

شهر سنندج مرکز استان کردستان است که هر ساله مورد توجه مهاجران از جمله روستاهای اطراف و سایر نقاط شهری استان بوده است. همچنین تحولات شهرسازی دوران معاصر در ایران از جمله شهر سنندج موجب افزایش جمعیت و شهرنشینی به خصوص رشد و توسعه محلّه‌های مسکونی و حاشیه‌نشینی است که به دور از مراکز شهری، بافت‌های جدید را در نقاط مختلف شهرها ایجاد کرده‌اند. محلّه نقش مهمی را در فضاهای کودک‌محور دارد. در شهرسازی باید به کودک مانند سایر ساکنان شهر نگریده شود. کودکان در محلات حاشیه‌نشین از زندگی لذت نمی‌برند و همانند سایر هم‌سالان قادر به درک زیبایی‌های زندگی نیستند. محیط شهری نامناسب، خانه‌های در حال تخریب، کمبود فضاهای اوقات فراغت و بازی کودکان فقدان یکنواختی و توازن در کالبد عمده‌ترین مشکلات مناطق حاشیه‌نشین در سنندج است. پژوهش حاضر به بررسی چند نمونه از محلّه‌های حاشیه‌نشین از جمله تقنقان (اسلام‌آباد)، نایسر و فرجه شهر سنندج می‌پردازد (شکل ۱) تا گامی در راستای حل مشکلات کودکان در فضاهای شهری این بافت‌ها برداشته شود. بر همین مبنا، مطالعات میدانی در چند مرحله مراجعه و طی دو بخش مصاحبه‌های فردی و گروهی با اهالی این محلات صورت گرفته، در مصاحبه‌ها تنوع افراد و اقشار مد نظر گرفته شده و در مکان‌های مختلف کار عکس‌برداری و ضبط مصاحبه‌ها انجام شده است.



شکل ۱: موقعیت قرارگیری مناطق حاشیه‌نشین نایسر (فرجه) (قرمز)، تفتقان (اسلام آباد) (زرد)

محله تفتقان (اسلام‌آباد) در شمال شهر سنندج واقع شده است. اکثر جمعیت آن همان قشر فقیرنشین سنندج هستند و از شهرهای اطراف مهاجران کمتری دارد. با توجه به بازدیدها، ورودی به محله کوچک، اما محور اصلی تقریباً مناسب است. بافت قسمت مسکونی روی شیب قرار گرفته و کف اکثر کوچه‌ها سنگفرش شده است. کوچه‌ها شیب زیاد و مخاطره‌ساز مخصوصاً در زمستان دارند. شایان ذکر است که کوچه‌ها با شیب تند به خیابان اصلی متصل می‌شوند که به گفته یکی از ساکنان، چندین بار باعث لغزش کودکان و افراد مسن و آسیب آن‌ها شده‌اند. در این میان، فضای بازی کودکان به دلیل کمبود فضای سبز، به پارک بسیار کوچک و ناامنی در نزدیکی دکه کفاشی واقع در پیاده‌رو محدود شده است که پاتوق افراد نامناسب بوده است. همچنین پارک در کنار کوچه‌ای شیب‌دار قرار گرفته است که عبور و مرور در آن در نقطه، کور و بسیار نزدیک پارک است که خطرات حوادث احتمالی را افزایش می‌دهد. همچنین پارک کوچک در یک طرف خیابان قرار گرفته است و برای کودکانی که خانه‌هایشان در ضلع دیگر خیابان است تردد خطرناکی را از این محور، که محور اصلی تفتقان است، به وجود می‌آورد. بی‌شک در این پارک کوچک، چالش فضایی، فضای سبز و جذابیت بصری وجود ندارد و فقط به نصب دو وسیله آماده بازی محدود شده است (شکل ۲).



شکل ۲: محله تفتقان (اسلام‌آباد)

در ادامه به محله نایسر می‌پردازیم. نایسر در شمال شرق شهر سنندج قرار دارد و از شهر فاصله گرفته و جمعیت نسبتاً بیشتری به نسبت دو محله دیگر دارد. در ابتدای ورود به خیابان‌های نایسر، جمع‌آوری زباله‌ها انجام می‌شود که چهره آن را نامناسب کرده است. فضاهای بازی برای کودکان فقط به یک پارک کوچک محدود شده است که برای جمعیت محله نایسر قطعاً پاسخ‌گو نیست. پارک در محیطی باز و پشت خیابان قرار گرفته که فضای آزاد و بدون خطری را برای کودکان مهیا ساخته است، اما ساخت‌وسازهای اطراف، کوچک‌بودن فضا و دسترسی نامناسب به پیاده‌روها را شاهد هستیم که از ضایعات صنعتی پر شده‌اند یا خاکی مانده‌اند و دسترسی نایمنی را ایجاد کرده‌اند. این فضا قابلیت تبدیل شدن به فضایی بزرگ‌تر و سبز و مناسب‌گردهمایی‌ها را دارد. وجود کوچه‌های خاکی زیاد، پیاده و معابر نامناسب و شیب‌دار، که تردد را برای کودکان دشوار کرده، از دیگر عواملی است که باعث کمبود فضاهای کودک‌محور در این محله شده است. عبور و مرور و ترافیک سنگین در صبح، ظهر و مخصوصاً عصر، مخاطراتی را برای عبور و مرور ایجاد می‌کند. مدرسه اصلی نایسر بر روی تپه‌ای قرار دارد و تقریباً در حاشیه نایسر قرار گرفته که محورهای دسترسی به آن خاکی است و دارای شیب تند و سخت مخصوصاً برای زمستان است. متأسفانه مشاغل کاذب زیادی مانند فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی در نایسر به وجود آمده که امنیت آنجا را کاهش داده است و ساکنان نیز از این مشاغل و عبور و مرور افراد نامناسب در محله، ناراضی و نگران هستند.



شکل ۳: محله نایسر

محله فرجه واقع در شرق شهر سنندج و نزدیک به بزرگراه مریوان - بانه است. با توجه به نقشه‌های هوایی و مطالعات میدانی دارای محورهای اصلی نسبتاً مناسب است. پیاده‌روهای آن کوچک، کوچه‌های شیب‌دار و تقریباً نامناسبی را دارد. همچنین با وجود فضاهای سبز زیاد، کاربری جنگلی در نزدیکی فرجه تفرجگاه سنندجیان در قدیم بوده است. علاوه بر فضای سبز، چندین پارک کوچک را در خود جای داده است، اما اکثراً فضاهای سبز به گذاشتن ارقام بازی کوچک محدود شده‌اند و از نظر امنیت توجه چندانی به آن نشده است؛ زیرا دارای مرزبندی و حصارهای تفکیک‌کننده مناسب نیستند. اما با توجه به این نظریه که کودکان مکان‌های نزدیک به خانه خود یا نزدیک به خانه دوستشان را ترجیح می‌دهند (Reynolds, 2005)، به دلیل تعدد فضاهای سبز، این نزدیکی برای کودکان محله فرجه مهیا شده است و نگرانی والدین در خصوص تردد فرزندان و احتمال تصادف کاهش یافته است. در محله فرجه، رضایت بیشتری را به نسبت محلات دیگر شاهد بودیم، اما باز هم به دلیل در حاشیه بودن، بعضاً افراد مهاجر و کم‌بصاعت به این محله روی می‌آورند.

قادری و همکاران/ شناخت و ارزیابی عوامل مضر حاشیه‌نشینی و تأثیرات آن در محرومیت کودکان از فضاهای کودک‌محور

در ادامه و در جدول ۲ میزان مناسب بودن شاخصه‌های محیطی این محلات، که از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه صورت گرفته، ارزیابی شده است و همچنین عوامل دیگر تأثیرگذار در این محلات و راهکار و تأثیرات آن به منظور اصلاح‌سازی این محلات، در جدول ۳ تحلیل و بررسی شده است.



شکل ۴: محله فرجه

جدول ۲: نتایج حاصل از مصاحبه، پرسش‌نامه و اطلاعات میدانی

	شاخصه‌های محیطی	محله ۱ (تقتان)	محله ۲ (نایسر)	محله ۳ (فرجه)
امنیت	امنیت ترافیکی	نسبتاً مناسب	مناسب	نسبتاً مناسب
	ترس از جرم و جنایت	نسبتاً مناسب	نامناسب	مناسب
تسهیلات رفاهی	زیبایی شناسی	نامناسب	نامناسب	مناسب
	گشودگی (فضای باز)	نسبتاً مناسب	نامناسب	مناسب
سهولت دسترسی	پیاده‌محوری	نسبتاً مناسب	نامناسب	نسبتاً مناسب
	راحتی و آسایش	نامناسب	نامناسب	مناسب
اجتماع‌پذیری	قابلیت گردهمایی	نامناسب	نسبتاً مناسب	مناسب
	قابلیت استقرار	نامناسب	نسبتاً مناسب	مناسب
جذابیت	تنوع	مناسب	نامناسب	نسبتاً مناسب
	چالش	نامناسب	نسبتاً مناسب	مناسب
	پیچیدگی فضایی	نامناسب	نامناسب	نامناسب

جدول ۳: اصلاح‌سازی محلات حاشیه‌نشین

عامل	راهکار	اثر
اصول بنیاد شهری	پیاده‌سازی برنامه شهر دوستدار کودک	شامل عواملی مانند بخش حقوقی کودکان، معماری و طراحی‌های مناسب کودک، تحقیقات و الگوهای شهرسازی، توجه به معیارهای جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... که همگی در ایجاد هرچه بهتر فضاهای کودک‌دوست تأثیر بسزایی خواهند داشت. تعیین استعداد خود و تقویت دوستی و روابط با بزرگسالان هستند. حق مشارکت و اظهار نظر کودکان در شهر، بهره‌گیری از خدمات رفاهی و تفریحی مناسب، وجود مسیرهای مخصوص کودکان مانند مسیر دوچرخه، ایمنی و آزادی کودکان، دسترسی ایمن و آسان به محیط‌های مورد استفاده کودکان با رعایت مواردی مانند روشنایی مناسب، امنیت، عدم عبور و مرور شلوغ، موقعیت مناسب و...، فضاهای سبز ایمن و آزاد، بهداشت و پاکیزگی محل، طراحی براساس روحیات کودکان آمیخته با فرهنگ ملموس برای آن‌هاست. متأسفانه به این امر در این محلات توجه نشده و شاهد مسیرهای بسیار ناامن و فضاهای سبز بدون ایجاد امنیت هستیم. شایان ذکر است که ترجیح و تجربه کودکان در ارتباط با تحرک و فعالیت فیزیکی، تفاوت بنیادی با بزرگسالان دارد. سیاست‌گذاران حوزه سلامت و برنامه‌ریزان و طراحان شهری زمانی می‌توانند به خلق یک محله حامی تحرک و فعالیت فیزیکی کودکان نزدیک شوند که شرایط لذت‌بخشی را برای حضور و فعالیت مستقل آنان در فضاهای باز محله فراهم کنند (روشندل و بهرامی، ۱۴۰۲).
فضاهای باز	افزایش تعداد و کیفیت فضاهای باز شهری مانند پارک، مناطق بازی کودکان، راهروهای سبز، باغ‌های عمومی و...	بررسی فضاهای باز اجتماعی عمدتاً در سه مقوله پارک‌های عمومی حومه، فضاهای بازی درون‌شهری و تسهیلات از نظر سازمانی کنترل‌شده همچون مراکز نگهداری از کودکان در سنین اولیه، مدارس، مهدکودک‌ها و محیط‌های مخصوص ورزش می‌گنجد. مردم از ددرس‌های مربوط به زندگی روزمره (شلوغی، خواسته‌های کاری و مسئولیت‌ها) به این فضاها پناه می‌برند و معمولاً از این مکان‌ها برای استراحت و سرگرمی، ورزش یا فعالیت‌های دیگر و معاشرت‌کردن بازدید می‌کنند (Subiza, 2020). ایجاد فضاهای بازی باید برپایه اصولی ده‌گانه شامل مکان‌یابی مناسب، مشارکت، جذابیت، ایمنی و امنیت، خوانایی، رفاه و آسایش، طبیعت‌محوری، فرهنگ‌محوری، حضورپذیری گروه‌های سنی، اجتماعی و اقتصادی مدیریت و نگهداری فعال طراحی شود تا بتوان یک محیط بازی استاندارد را برای کودکان فراهم کرد (خرم‌شاد، ۱۳۹۷). همچنین چشم‌انداز طراحی مسیرهای مناسب می‌تواند باعث اصلاح بعضی از رفتارهای عابران شود که در مناطق مورد بررسی به‌جز محله فرجه این کمبود به چشم می‌خورد.
ساختمان‌ها و تأسیسات شهری	به‌سازی و طراحی مناسب ساختمان‌ها و تأسیسات شهری برای اصلاح نمای شهری	عمده‌ترین نماد جهانی حاشیه‌نشینی سیمای نامطلوب آن است؛ گذرگاه‌ها و معابر پرپیچ‌وخم و کم‌عرض بوده و معمولاً راه دسترسی خودروهای امداد اعم از آتش‌نشانی، اورژانس و پلیس در مواقع بروز حوادث و خطرات وجود ندارد. شواهد نشان می‌دهند که فضاهای سبز شهری و فضاهای باز به میزان شایان توجهی به درجه محرومیت در مقیاس منطقه‌ای مربوط می‌شود. زمینه قلمروهای روزمره از دوران کودکی گوشه‌وکنار مسیرهای محله‌ها، حاشیه‌ها، حیاط‌خانه‌ها، پارک‌ها و زمین‌های بازی است و یک درخت، یک همسایه یا دوستان دلسوز می‌توانند به احساس کودکان کمک کنند. سیمای محلات بررسی شده اغلب قدیمی یا جدید، اما با ظاهری نامناسب و غیراصولی بودند. عابرها بدون تفکیک‌سازی مشخص یا دارای شیب‌های خطرناک (محله تققان) بودند یا با ضایعات ساختمانی و خاک بسته شده بودند.
جمعیت	کنترل جمعیت و آموزش‌های زناشویی	فقر فرهنگی و عدم کنترل زادوولد در خانواده‌های ساکن مناطق حاشیه شهرها و توجه آن‌ها به نیروی انسانی کار، باعث رشد تعداد اعضای خانواده و تراکم جمعیت در این مناطق شده است. همچنین کنترل‌نکردن میزان جمعیت و افزایش میزان مهاجرت موجب تشکیل گروه‌های خودجوش نوجوان در آن مناطق شده که بالقوه تمایلی به انحرافات اجتماعی و فرهنگی دارند. در نتیجه، باید حداقل به‌صورت دوره‌ای در مرکز بهداشت یا مساجد این محلات، والدین و زوج‌های جوان را برای مشاوره در قالب کلاس یا سمینارهای کوچک فراخواند.

<p>پایین‌بودن سطح سواد مهاجران، فقدان مشاغل تخصصی درمقابل مشاغل همچون دست‌فروشی، فروش مواد مخدر، فروش مشروبات الکلی، دزدی، جنایت، فحشا وگسترش بیماری‌های واگیردار؛ همه این موارد به‌نوعی در فضای حاشیه شهرها به وجود آمده است. این موارد که تا حدودی از مشکلات این مناطق حاشیه‌نشین است، به داخل شهرها کشیده شده و شهر را نیز با خطری جدی مواجه کرده است که باید با آموزش کودکان برای نسل بعد و همچنین ایجاد فضاهایی ایمن مانند کارگذاشتن دوربین، نورپردازی مناسب معابر و... امنیت را نهادینه کرد؛ بنابراین برای فراهم‌کردن شرایط ادراک محیطی به‌منظور تعادل قوای محیطی و ذهنی و بروز استعدادهای خلاقانه کودک، یکی از مهم‌ترین عوامل، ایجاد فضای امن است (تمجیدی، ۱۴۰۱). همچنین آرامش فضای شهری از ابتدا از طریق پلیس تأمین نمی‌شود، اما با حضور پلیس تضمین می‌شود.</p>	<p>به‌کارگیری نیروهای پلیس برای برقراری نظم و امنیت، آموزش کودکان، ایجاد فضاهایی ایمن</p>	<p>نظم و امنیت</p>
<p>عامل اصلی پیدایش حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی مهاجرت است. یکی از علل اصلی گسترش شهرنشینی سریع در کردستان است و پیامد آن ظهور شهرهایی بزرگ‌تر و حاشیه‌نشینی با بافت نابسامان و مسکن ناهنجار است که ساکنین آن اغلب مهاجرین روستایی یا اقشار کم‌درآمد شهری‌اند. در زمینه‌های چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باید اول اولویت با روستاها باشد تا اختلاف سطح توسعه از بین برود و به‌طور مساوی شهرنشینی و روستاییان را از امکانات توسعه بهره‌مند سازیم (عبدی، ۱۴۰۱). در این صورت روستاییان به‌صورت توده‌ای نیازی به مهاجرت به شهرها نمی‌بینند. یافته‌ها نشان می‌دهند که رابطه پویا بین مهاجرت و درآمد نابرابر برعکس (U) شکل است. به‌طور خاص، مهاجرت معاصر نابرابری در درآمد را افزایش می‌دهد؛ درحالی‌که مهاجرت عقب‌مانده تأثیر زیادی در کاهش نابرابری در درآمد بر روستاها دارد.</p>	<p>کنترل مهاجرت از مناطق دیگر و روستاها به این محلات</p>	<p>مهاجرت</p>
<p>اغلب مشاغل این محلات شغل‌های کاذب‌اند؛ مانند تکدیگری، جمع‌آوری زباله، کارگری، دستفروشی، مشاغل ساختمانی، رفتگری، مغازه‌داری، کشاورزان فصلی. از دیدگاه اصلاحی، کاهش فقر از دو طریق مشخص با شناسایی فرصت‌ها گره خورده است؛ اول، کارآفرینی که فرصت‌هایی را به افرادی که به حاشیه رانده شده‌اند می‌بخشد و آنان را قدرتمند می‌سازند. این مکانیزم قدرت بازارها را برای توانمندسازی افراد برجسته می‌کند. راه دوم، که فرصت شناسایی است، به کاهش فقر از دیدگاه اصلاحی - با شناسایی فرصت‌ها برای تغییر اجتماعی - منجر می‌شود (Knudsen, 2016). چشم‌انداز اصلاحی فرض می‌کند که فقر نتیجه منابع کمیاب است و تأمین منابع این امکان را فراهم می‌کند که کارآفرینی شکوفا شود. با ایجاد فضاهای شغلی بزرگ در این مناطق یا تسهیلات مناسب، می‌توان این عامل را در محلات بررسی‌شده، به‌خصوص محل، ناپسر، کم کرد.</p>	<p>ایجاد اشتغال و کار آفرینی</p>	<p>اشتغال</p>
<p>محرومیت اجتماعی با طرح مباحث مربوط به دولت رفاه، رفاه اجتماعی و سیاست اجتماعی به‌وجود آمده است؛ بنابراین طرح مسئله محرومیت اجتماعی در کنار توجه به مسائل دیگر مانند فقر و فقرزدایی ضروری است. در ایران نیز ورود صنایع جدید و رشد شهرنشینی موجب شکل‌گیری طبقات کارگری و حاشیه‌نشین شده است. محرومیت را می‌توان به‌وضوح در این محلات مشاهده کرد؛ درحالی‌که با بسترسازی، بودجه‌گذاری و توجه بیشتر به خواسته‌های آن‌ها می‌توان رضایت‌بخشی را تا حدودی افزایش داد. جلب اعتماد ساکنان برای هرگونه اقدام مشارکتی در راستای بهبود شرایط حاشیه شهر، در گروی پیش‌قدمی معتمدین محلات حاشیه است (حسین‌زاده یزدی و یعقوبی، ۱۳۹۹). براساس نتایج تحقیق، ائمه جماعات مساجد می‌توانند مؤثرترین این افراد باشند.</p>	<p>کاهش محرومیت‌های اجتماعی از طریق بسترسازی، بودجه‌گذاری و توجه بیشتر به خواسته‌های ساکنان و انجام اقدامات مشارکتی</p>	<p>محرومیت</p>

بحث و نتیجه‌گیری

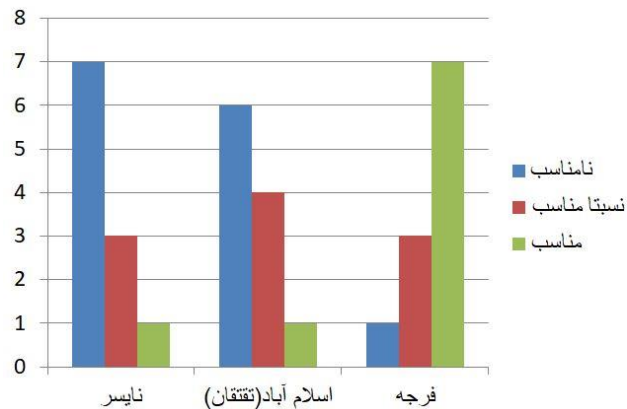
در حاشیه‌نشینی شاهد رشد بی‌رویه شهرها و توسعه جوامع شهری و همچنین مهاجرت گسترده به کلانشهرها بدون وجود زیرساخت‌های اقتصادی اکولوژی-یکی از چالش‌های بزرگ جوامع در حال توسعه- هستیم. یکی از این چالش‌ها، حاشیه‌نشینی است که به منزله آسیمی اجتماعی سلامت روانی و جسمانی ساکنین این بافت‌ها، خصوصاً کودکان، را به شدت تهدید می‌کند.

تعاریف متعددی از حاشیه‌نشینی، چه از منظر تصرف نواحی شهری و چه از نظر اقتصادی، ارائه شده است. اشاره شد که یکی از آفات اجتماعی حاشیه‌نشینی، استثمار اقتصادی کودکان در مناطق حاشیه‌نشین، به واسطه فقر است. این عامل به صورت مستقیم و غیرمستقیم سبب محرومیت کودکان از فضاها و کالدهای شهری کودک‌محور شود. در محلات بررسی شده، خصوصاً نایسر و تقشقان و سپس فرجه، شاهد کار کودکان در فضاهایی مانند مکانیکی، مغازه‌داری، دستفروشی بودیم که به نوبه خود زمان رشد روانی کودکان را از لحاظ درس خواندن و بازی گرفته است. مبحث دیگری که به آن پرداخته شد، بحث مراقبت و حمایت کودکان در مقابل ارتکاب جرایم علیه آن‌هاست. از آن‌روی که منطقه زندگی افراد به پیدایش یا نوع جرایمی که بر کودکان تحمیل می‌دارد مرتبط است (به دلیل شباهت نسبی نظام ارزش‌ها، باورها و عقاید و فرهنگ ساکنان و تأثیرپذیری متقابل محیط و افراد)، حاشیه‌نشینی به دلیل مهاجرت و تقابل فرهنگ‌های متفاوت و نامتجانس و ماهیت چندگانه و غیریکپارچه، همچنین شرایط نامناسب محل زندگی و معماری نامتجانس مناطق حاشیه‌نشین خود می‌تواند تأثیرات پیچیده‌ای در ساکنان این مناطق به خصوص کودکان بگذارد. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به افزایش جرم و جنایت و فروش مواد مخدر و اعتیاد کودکان، افزایش ازدواج کودکان و کودکان کارگر اشاره کرد که با بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی کودکان مرتبط است. در محله نایسر، که اتصال کمتری با شهر سنندج دارد، به استناد سخنان ساکنین، کمبود امنیت و افزایش جرم و جنایت بیشتر از باقی محلات بود. در تقشقان نیز که ارتباط نزدیک‌تری با ساکنان کل سنندج داشتند، جرم و جنایت و اعتیاد دیده شد. در محله فرجه، به واسطه شبیه‌سازی یک شهر کوچک در این محله، ارتباط نزدیک‌تر و آشناتری میان ساکنان برقرار بود و همین امر باعث شناسایی افراد مجرم و جلوگیری از اقدامات آنان بود.

برای اصلاح و بهبود سطح کیفیت زندگی و کاستن از اثرات و خطراتی که کودکان را در بافت حاشیه شهرها تهدید می‌کند، اصلاحات کالبدی - فضایی مطابق با تحقیقات و الگوهای شهرسازی با توجه به معیارهای جامعه‌شناسی - روان‌شناسی تأثیر بسزایی خواهد داشت. پیاده‌سازی برنامه شهر دوستدار کودک، یعنی به رسمیت شناختن حق مشارکت کودکان در شهر، بهره‌گیری از خدمات رفاهی و تفریحی مناسب، دسترسی ایمن و آسان به محیط‌هایی که کودکان استفاده می‌کنند و طراحی براساس روحیات کودکان آمیخته با فرهنگ ملموس برای آن‌ها یکی از این رویکردهاست. همچنین رسیدگی به کیفیت فضاهای باز شهری مانند پارک، فضای بازی کودکان و افزایش تعداد این فضاها می‌تواند یکی دیگر از برنامه‌های چشم‌انداز اصلاحات کالبدی و فضایی محلات کم‌برخوردار باشد. همان‌طور که در بطن پژوهش بررسی شد، در محله نایسر، پارک تقریباً مناسبی در محله احداث شده بود و امکان ایجاد فضایی سبز با محیطی برای گردهمایی وجود داشت. در محله تقشقان پارکی بسیار کوچک در موقعیتی نامناسب و حادثه‌خیز قرار داشت و امکان مشاهده فضای سبز و متنوعی وجود نداشت. در محله فرجه، شاهد فضاهای سبز متعددی بودیم که به نوبه خود ویژگی بسیار مناسب این محله به‌شمار می‌آمد؛ البته گفتنی است تغییراتی برای جداسازی این محوطه‌ها از خیابان الزامی است.

از دیگر برنامه‌های اصلاحی، کاهش فقر فرهنگی و کنترل‌نداشتن بر زادوولد و توجه اقشار کم‌برخوردار به نیروی انسانی کار است، که باعث افزایش تعداد اعضای این خانواده‌ها می‌شود و این رشد می‌تواند زمینه‌ساز معضلات معیشتی، اجتماعی، فرهنگی، و ... خانواده‌ها شود؛ بنابراین فاکتورهای اقتصادی را می‌توان اصلی‌ترین عامل ایجاد حاشیه‌نشینی و بهزیستی خانواده و به تبع آن، سلامت روانی کودکان دانست. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، برگزاری سمینارهای آموزشی دوره‌ای یا مشاوره‌های قبل و بعد از ازدواج برای شفاف‌سازی این مسائل ضروری است؛ البته مشاوره در این خصوص تا حدودی در مراکز بهداشت، مساجد و مرکز مشاوره در این محلات انجام شده است.

مشاهده وضعیت آشفته و نبود نظم در محیط می‌تواند تأثیرات بسزایی در ساکنان داشته باشد. وجود محل جمع‌آوری زباله در ورودی نایسر، اجرانکردن تزئینات شاد در تققان، نبود حایل بین فضاهای سبز و کودک‌محور با فضای شهری در فرجه، وجود معابر خاکی و کوچک در نایسر، معابر شبیدار و خطرناک در تققان و معابر باریک و شبیدار در فرجه، همگی ناامنی را افزایش می‌دهند و مخصوصاً در فصل زمستان باعث حادثه می‌شوند. جدی‌ترین مسائل از نگاه ساکنان در حاشیه شهر، مسائل امنیتی، مقوله سلب آرامش و کمبودهای رفاهی، ساخت‌وسازهای غیراصولی و فقدان امکانات فیزیکی است که باعث شده مجموعه پیچیده و درهم‌تنیده‌ای از مسائل گریبانگیر ساکنان این مناطق شود و حضور هم‌زمان این مسائل به تشدید هریک از آن‌ها نیز منجر شود. شایان ذکر است که امنیت می‌تواند روانی، جسمی، اقتصادی، اجتماعی و... باشد، که در محلات حاشیه‌نشین، امنیت کمتر از محلات دیگر گزارش شده است. در همین راستا، آموزش ساکنان در نحوه برخورد، گم‌کردن نیروهای آموزش دیده، حمایت دولت و مراکز مربوطه، ایجاد اشتغال مناسب، ایمن‌سازی فضاهای کودک، ایمن‌سازی معابر، ساختمان‌ها و تأسیسات، می‌تواند احساس رضایت را در این محلات بسیار بالا ببرد.



نمودار ۱: مناسب، نسبتاً مناسب و نامناسب بودن وضعیت محلات براساس عوامل بررسی شده

در این پژوهش، سعی شد با ارزیابی نقش عوامل محیطی در سلامت جسمی-روانی ساکنان، به خصوص کودکان، و بررسی پدیده حاشیه‌نشینی در ارتباط با محرومیت کودکان از فضاهای کودک‌محور، راهکارهایی برای بهبود این مناطق و جایگاه کودکان در آن از طریق توجه به کالبد شهری و نیازهای آن ارائه شود. مشهود است که تمامی عوامل در یکدیگر تأثیرگذارند و می‌توانند باعث تشدید یا کم‌شدن میزان رضایت‌بخشی ساکنان باشند. همچنین این عوامل ذکر شده به صورت مستقیم و غیرمستقیم در کودکان تأثیر می‌گذارند و نگرانی‌هایی را در خصوص آینده این کودکان به همراه دارند.

منابع

- امیدوارفر، سجاد (۱۳۹۶). نقش مدیریت شهری در مناطق حاشیه‌نشین با تأکید بر ایران، ماهنامه علمی-تخصصی شباک، ۳(۱۱)، ۲۷-۳۳.
<https://www.sid.ir/paper/515301>
- افتخارزاده، زهرا (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. <https://ensani.ir/fa/article>.
- بخشوده، شهاب و پرتویی، بهنام (۱۳۹۰). نقش طراحی محیطی در امنیت مناطق حاشیه‌نشین. فصل‌نامه دانش انتظامی زنجان، ۱(۱)، ۳-۲۰.
- بهمنی، سجاد؛ همتی، رضا، ملتفت، حسین و ایزدی جیران، اصغر (۱۳۹۷). فهم فرایند شکل‌گیری تجربه حاشیه‌نشینی براساس نظریه داده‌بنیاد (مورد مطالعه: محله‌های ملاشبه و تل برمی خوزستان). فصل‌نامه توسعه اجتماعی، ۱۴(۲)، ۱۵۸-۱۲۷. DOI: 10.22055/QJSD.2020.27261.1796
- پورجعفر، محمدرضا و محمودی‌نژاد، هادی (۱۳۸۹). طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری. تهران: انتشارات هله و طحان
- تمجیدی، زهرا، سادات سعیده زرآبادی، زهرا و حبیب، فرح (۱۴۰۱). شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری برای کودکان، بر مبنای مدل مفهومی حق به شهر (شهر تهران). فصل‌نامه مطالعات شهری، ۴۴(۱۱)، ۱۱۵-۱۳۰. doi: 10.34785/J011.2022.004
- حسین‌زاده یزدی، سعید و یعقوبی، علی (۱۳۹۹). بررسی علل و پیامدهای حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرهای کشور (بررسی موردی: حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر مشهد). فصل‌نامه راهبرد توسعه، ۱۶(۴)، ۳۲-۶۶. <http://rahbord-mag.ir/Article/13991226272690>
- خرم‌شاد، مجید و صفوی، سیدعلی (۱۳۹۸). تدوین اصول طراحی فضاهای بازی کودکان در مقیاس محله با تأکید بر احیای بازی‌های بومی ایرانی. فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۹(۳۶)، ۲۳-۸۵. <http://iic.ihss.ac.ir/fa/Article/13139>
- رستگار، امیر، بونفانتینی، برتراندو (۱۳۹۵). تدوین راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک. فصل‌نامه مدیریت شهری، ۴(۴)، ۶۲-۸۷.
- روشن‌دل، تکتم، بهرامی، بختیار، سعیدی، مهدی و عرفانی، گوران (۱۴۰۲). ویژگی‌های محیطی مؤثر بر تحرک و فعالیت فیزیکی کودکان در محله از دیدگاه آنان؛ مطالعه موردی: شهر مشهد. فصل‌نامه مطالعات شهری. زودآیند
<https://doi.org/10.22034/urbs.2023.62738>
- عبدی، میلاد (۱۴۰۱). نحوه شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهرها، مورد مطالعه: شهر ایلام، فصل‌نامه علوم زیست محیطی و دانش جغرافیا، ۲(۳)، ۱-۱۰. <https://rimag.ricest.ac.ir/Article/37226/FullText>
- کربلایی حسینی، ابوالفضل و سهیلی، جمال‌الدین (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های شهر دوست‌داشتنی از نگاه کودکان: مطالعه موردی منطقه ۲ شهرداری قزوین. فصل‌نامه مطالعات شهری، ۹(۹)، ۵۹-۶۸. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_7886.html
- کیخا، بتول و مرادی، حامد (۱۳۹۴). واکاوی وقوع جرایم اجتماعی از منظر حاشیه‌نشینی و نظریه شکاف دانش. فصل‌نامه انتظام اجتماعی، ۷(۳)، ۱۰۷-۱۲۹. <https://ensani.ir/fa/article/394918>
- ممتاز، فریده (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی شهر، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- منصوری، امیر و قره‌بیگللو، مینو (۱۳۹۰). کیفیت فضای باز شهری در تعامل با کودکان. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶(۶)، ۶۳-۷۲.
- هنرور، سرور (۱۳۸۹). کودک در شهر دیده نمی‌شود. مجله جستارهای شهرسازی، ۳۴(۳)، ۱۲۰. magiran.com/p915787
- یونسف (۱۳۷۶). پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، تهران. <https://www.unicef.org/iran>

- Akins, N. (2022). Stress and the City: The Impacts of City Living and Urbanization on Mental Health. https://scholarship.claremont.edu/scripps_theses/1892
- Chen, S., Christensen, K. M., & Li, S. (2019). A comparison of park access with park need for children: A case study in Cache County, Utah. *Landscape and Urban Planning, 187*, 119-128. DOI:10.1016/j.landurbplan.2019.04.001
- Dale, C. E., Bowling, A., Adamson, J., Kuper, H., Amuzu, A., Ebrahim, S., ... & Nüesch, E. (2013). Predictors of patterns of change in health-related quality of life in older women over 7 years: evidence from a prospective cohort study. *Age and Ageing, 42*(3), 312-318. DOI: 10.1093/ageing/aft029
- Fenstermacher, G. D., & Richardson, V. (2005). On making determinations of quality in teaching. *Teachers college record, 107*(1), 186-213. <http://www.personal.umich.edu/~gfenster/teaqual14ss.PDF>
- Gorgul, E., Luo, L., Wei, S., & Pei, C. D. (2017). Sense of place or sense of belonging? Developing guidelines for human-centered outdoor spaces in China that citizens can be proud of. *Procedia engineering, 198*, 517-524. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2017.07.106>
- Goran, m. i. & Reynolds, k. (2005). Interactive multimedia for promoting physical activity in children, *international journal of obesity, 13*(4), 762-771. DOI: 10.1038/oby.2005.86
- Holt Nicholas, L. (2014). Neighborhood physical activity opportunities for inner-city children and youth, *Journal of Health & Place, 15*(4), 1022-1028. DOI: 10.1016/j.healthplace.2009.04.002
- Knudsen, E. M. (2016). Avoiding the pathologizing of children of prisoners. *Probation Journal, 63*(3), 362-370. DOI:10.1177/0264550516660766
- Korpela, N. (2014), Robert b. Bechtel and Arza Churchman, John Wiley & Sons, inc, Children's Environment. *Handbook of environmental psychology*
- Korpela, K. (2002). Children's environment. In R. B. Bechtel, & A. Churchman (Eds.) *Handbook of Environmental Psychology*. New York: John Wiley & Sons, 363-373.
- Nady, R. (2016). Towards effective and sustainable urban parks in Alexandria. *Procedia Environmental Sciences, 34*, 474-489. doi:10.1016/j.proenv.2016.04.042
- Subiza-Pérez, M., Vozmediano, L., & San Juan, C. (2020). Green and blue settings as providers of mental health ecosystem services: Comparing urban beaches and parks and building a predictive model of psychological restoration. *Landscape and Urban Planning, 204*, 103926.
- Shukouei, H. (1994). *Social Geography of Cities, Social Ecology of Cities*, Jihad Daneshgahi Publication Institute (Majd), Tehran.
- Teixeira, C. F. B. (2021). Green space configuration and its impact on human behavior and URBAN environments. *Urban Climate, 35*, 100746. DOI:10.1016/j.uclim.2020.100746

Yao, S., & Xiaoyan, L. (2017). Exploration on ways of research and construction of Chinese child-friendly city--
--a case study of Changsha. *Procedia engineering*, 198, 699-706.

<https://doi.org/10.1016/j.proeng.2017.07.121>

Witten, K., Robin, K., Carrola, P., & Asiasigaa, L. (2017). Children's everyday encounters and affective
relations with place: experiences of hyperdiversity in Auckland neighbourhoods. *Social & Cultural
Geography*, (9), 1-18. <https://doi.org/10.1080/14649365.2017.1347700>

Recognizing and evaluating the harmful factors of marginalization and its effects on the exclusion of children from child-oriented spaces (case example: Sanandaj city)

Salahadin Molanai¹, Mobin Ghaderi², Mehdi khosravi³, Saba Kasani⁴

¹ Assistant Prof. faculty of Art and Architecture, Kurdistan University, Sanandaj, Iran

² MA. in Architecture., faculty of Art and Architecture, Kurdistan University, Sanandaj, Iran

³ MA. in Architecture, faculty of Art and Architecture, Kurdistan University, Sanandaj, Iran

⁴ MA. in Architecture, faculty of Art and Architecture, Kurdistan University, Sanandaj, Iran

Abstract

Marginalization is one of the important issues in the field of urban planning and architecture; The lack of educational and educational spaces such as child-centered spaces, security issues, livelihood and educational pressures can have many consequences on residents, especially children. In this regard, the exclusion of children from child-centered spaces causes children to drain their energy in inappropriate environments, which can lead to financial, physical and mental losses. This research identifies and examines the factors affecting the poor conditions of marginalized children and the destructive effects it has on children now and in the future. The research is of a descriptive-analytical type and the data has been acquired through document and library collection, then by using the experiences of other professors and researchers, by mentioning examples and articles worked in various specialized fields, a field investigation of Including visits, interviews with residents and questionnaires, and finally the analysis and conclusions of the authors have been made. Marginalization is often associated with the confrontation of different cultures, this causes harm such as increased crime and drug sales and child labor, threats to the mental health of residents, especially children, unbalanced distribution of welfare, health, educational facilities and lack of The quality of urban open spaces such as parks and children's playgrounds is determined by examining these factors in the localities (Naisar, Islamabad, Farajeh), their quantity and quality have been determined and a solution has been provided to solve these factors.

Keywords: Child-Friendly City, Marginalization, Child, Child-Oriented Spaces, Deprivation, Awareness